



تقدّم مودّت بر محبّت در مواجهه با معصوم (علیه السلام)

سمیه رجبی مهدی آبادی*

چکیده

واژه مودّت از ماده «ودّ» به معنای درستی چیزی همراه با تمنای حضور او است و کلمه محبّت از «حبّ» به معنای دست یافتن به اصل و سویدای قلب او می‌باشد. مودّت عمیق‌تر از محبّت بوده، چنان که آن را محبّت خالص می‌دانند که از حب، لطیف‌تر و مصفا‌تر است. محبّت و مودّت به خاندان پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله) عامل ثبات قدم و مایه سعادت و رشد و تعالی در راه دین‌داری و مصونیت افراد در برابر گناه و انحراف و مفاسد اخلاقی است. از آنجایی که از یک سو حبّ اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان اهرمی نیرومند در جهت سازندگی انسان و حرکت تربیتی و اجتماعی او است و از سوی دیگر محبّت به تنهایی از جانب محبّ کافی نیست و باید به مودّت که همان رضایت مودود است برسد، این سؤال به ذهن می‌رسد تقدّم مودّت بر محبّت در مواجهه با معصوم (علیه السلام) چگونه است؟ روش نگارش پژوهش توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای متنی است.

واژگان کلیدی: مودّت، محبّت، تقدّم.

* طلبه سطح دو حوزه علمیه کوثر قزوین، ۰۹۱۹۶۵۸۲۵۰۵

مقدمه

در نظام تربیت دینی، محور همهٔ محبت‌ها و مودت‌ها، خداوند متعال بوده و سایر محبت و مودت‌ها باید بر محور این کانون بگردند. محبت و مودت به پیامبر ﷺ و اهل بیت او (علیهم‌السلام) در طول حب و ود خداوند متعال است؛ زیرا پیامبر الهی و خاندان مطهرش مصداق انسان کامل بوده و بشر را به سوی آن کمال حقیقی رهنمون می‌نمایند.

ثبات قدم بر صراط روز رستاخیز و گذشتن از آن به چگونگی طی کردن صراط مستقیم در دنیا بستگی دارد. کسانی که در دنیا اهل بیت ﷺ را دوست داشته و با راهنمایی آن‌ها در مسیر مستقیم گام نهاده‌اند از پل صراط قیامت به سلامتی می‌گذرند و وارد بهشت می‌شوند. آنچه که قابل ذکر است، این است که در بحث محبت یک قید به تمامی افعالی که از محبت ناشی می‌شود اضافه می‌گردد و آن، رضایت محبوب است. بهترین نوع ارتباط با پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) همان مودت و محبت می‌باشد که یک رابطه قلبی و درونی است و سریع‌ترین راه اتصال به ارواح طیبه است.

با توجه به این که بزرگترین اثر محبت و مودت اهل بیت ﷺ، هدایت به سوی اسلام راستین و حرکت در صراط مستقیم است، اما با توجه به این که به این موضوع به صورت کامل و مستقل در هیچ کتابی از جمله تفسیر المیزان و سایر تفاسیر اشاره نشده و فقط به تحلیل کلمهٔ ذی القربی پرداخته شده، فلذا در این نوشتار سعی شده ابتدا به بیان معانی لغوی مودت و محبت و سپس به بیان تمایز این دو از هم پرداخته شود و در نهایت به اثبات تقدم مودت بر محبت به دلیل خاص بودن آن اشاره شود.

۱. تعریف محبت

۱-۱. محبت در لغت

این واژه با ساختارهای گوناگون آن ۸۳ بار در قرآن کریم به کار رفته است که از این تعداد، ۵۹ مورد آن در آیات مکی و ۲۴ مورد دیگر در آیات مدنی است.

راغب اصفهانی محبت را برگرفته از دو عبارت «حَبَّه القلب» (سویای قلب) و «حَبَّة» (دانه و بذر) می‌داند. با توضیح این که «حَبَّ» و «حَبَّة» در مورد بذر گل‌ها به کار برده می‌شود. بنابراین، «حَبَّتْ فلاناً» در حقیقت یعنی به اصل و مبنا و سویای قلب او دست یافتم. راغب اصفهانی «حَبَّة القلب» را نیز تشبیهی برای شباهت قلب به دانه و بذر می‌داند.^۱

ابن فارس در «معجم مقاییس اللغة» سه اصل مندرج در مفهوم «حَبَّ» را ثبات و لزوم، بخش یا دانه‌ای از یک شیء بودن و سرانجام کوتاهی و قصر می‌داند.^۲

ابن قیم نیز در «مدارج السالکین» برای محبت پنج ریشه معنایی بیان کرده است:^۳

۱. صفا و شفافیت و سفیدی در مورد «حَبَّبَ الْأَسْنان» (به جهت سفیدی دندان‌های انسان)؛

۲. رفعت و ظهور در مورد «حُبَابُ الْماء» (حباب آب)؛

۳. لزوم و ثبات در مورد «حَبَّ البعیر» (هنگامی که شتر بخوابد و دیگر برنخیزد)؛

۴. اصل و اساس بودن در مورد «حَبَّة القلب» (لُبَّ و داخل قلب) و «حَبَّة» (دانه و بذر که در

حقیقت اصل و ماده شیء است)؛

۵. حفظ و مراقبت مورد «حُبَّ الْماء» (ظرفی که آب در آن محفوظ و ثابت است).

۱. اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن کریم، ذیل ماده حَبَّ.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۴۳.

۳. جوزیه، مدارج السالکین، ج ۳، ص ۱۰.

برخی این واژه را مأخوذ از «الحَبَّة» به معنی بذرهای کاشته شده در زمین می‌دانند و در باب دوستی از این رو این واژه را به کار بسته‌اند که در محبّت و دوستی، اصل و بذر حیات نهفته است؛ چنان که در بذر، اصل گیاه مکنون است.^۱

بعضی از اهل لغت مانند صاحب الصحاح، «الحَبَّة» را مفرد «حَبّ» به معنای بذر گندم و جو و دیگر حبوبات می‌دانند و «حَبَّة القلب» را اعماق و یا ثمره آن و «حَبَّة من الشیء» را قطره‌ای از آن شیء قلمداد می‌کند.^۲

عده‌ای نیز بر این باورند که محبّت از «حَبّ» که جمع «حَبَّة القلب» است گرفته شده است و «حَبَّة القلب» محلّ لطافت قلب و دلیل قوام آن است و محبّت را از این رو برگرفته از این عبارت می‌دانند که عرب در برخی موارد، شیء را با نام جایگاه آن صدا می‌زند و جایگاه محبّت در سويدای قلب (حَبَّة القلب) است.

برخی دیگر «محبّت» را برگرفته از «حُبّ الماء» می‌دانند که هنگام بارش باران و یا هنگامی که آب به نقطه جوش می‌رسد، پدید می‌آید و محبّت را برگرفته از این عبارت می‌دانند که محبّت (که قلب محبّ در آن مشتاق و بی‌قرار رؤیت محبوب است) صاحب خود را همواره در اشتیاق و اضطراب و جوشش نگاه می‌دارد.

عده‌ای نیز محبّت را برگرفته از «الحُبّ» می‌دانند که به معنای چهارچوبی است که کوزه آب را بر روی آن می‌گذارند و محبّ نیز همانند آن چهارچوب که سنگینی کوزه را بر خود حمل می‌کند، عزّت، ذلّت، آسانی، دشواری، فراز و فرود محبوب را به جان می‌خرد.

عده‌ای نیز بر این باورند که «حَبّ» اسم مکانی برای صفای دوستی است، چنان که «حَبَّة الإنسان» اسم مکانی برای سفیدی و صفای چشم انسان و «حَبَّة القلب» اسم مکانی برای صفای اعماق قلب است.^۳

۱. هجویری، کشف المحجوب، ص ۳۹۴.

۲. جوهری، صحاح اللغة، ذیل ماده «حَبّ».

۳. برای توضیح کامل‌تر دیدگاه‌های مطرح شده درباره ریشه محبّت که در این بخش مطرح شد، ر.ک: هجویری، کشف المحجوب، ص ۳۹۶-۳۹۳.

راغب در مفردات معنای لفظی محبت را «ارادة ما تراه أو تظنه خيراً؛ اراده به آنچه که آن را خیر می‌بینی و یا خیر می‌پنداری» می‌داند و برای آن وجوه سه‌گانه ذیل را بیان می‌کند:

۱. محبتی که به جهت لذت پدید می‌آید؛ مانند دوستی‌ای که میان زن و مرد ایجاد می‌شود.
۲. محبتی که به جهت منفعت و سود ایجاد می‌شود؛ مانند دوستی چیزی که از آن نفعی حاصل انسان می‌شود.
۳. محبتی که به جهت فضل پدید می‌آید؛ مانند محبتی که برخی اهل علم نسبت به برخی دیگر به جهت دارا بودن مراتب علمی دارند.

راغب درباره کسانی که محبت را با اراده تفسیر کرده‌اند، می‌گوید محبت کامل‌تر و رفیع‌تر از اراده است، چه آن که هر محبتی اراده است و حال آن که هر اراده‌ای محبت نیست.

ابوحامد غزالی محبت را «میل النفس إلى الشيء الموافق»^۱ و قاموس المحيط در ذیل ماده «حَبَب» آن را مترادف «وداد» (دوستی) می‌داند و لسان العرب در ذیل همین ماده آن را نقیض بغض برمی‌شمرد که عرب آن را به صورت «الحَبِّ» (با کسر) نیز قرائت کرده است.

از برآیند آراء پیش‌گفته درباره معنای لفظی واژه محبت می‌توان گفت: محبت، گرایش و علاقه‌مندی انسان به چیزی است که آن را سازگار با طبع خود می‌بیند و در این میل و علاقه‌مندی، ملازمت و ثبات از اوصاف و شرایط اصلی آن به شمار می‌رود.^۲

۱-۲. محبت در اصطلاح

ارائه گفتاری مدوّن درباره معنای اصطلاحی واژه محبت با نظر به کثرت عبارات و دیدگاه‌هایی که در این باره ابراز شده است، کاری بسیار دشوار است. افزون بر آن که به باور

۱. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۳۲۷.

۲. رافعی، محبت در قرآن و حدیث، صص ۳۹ تا ۴۲.

کسی به عهد خود وفا ننمود! و آن هفت نفر عبارت بودند از: سلمان، ابوذر، عمار، مقداد، جابر بن عبدالله، برده آزاد شده پیامبر به نام «ثبت» و زید بن ارقم!^۱

پرسشی دیگر که در این بحث باید به آن پرداخته شود، عبارت است از این که تفاوت محبت و مودت چیست؟ مودت را گاهی محبت می‌گیرند ولی این اشتباه است؛ مثل واژه شکر و حمد که غیر هم هستند. مودت از ود است؛ محبت از حب است، یعنی دوست داشتن. این دوست داشتن امری قلبی و فرّار است و زود از بین می‌رود، باید آن را عملی کنی تا در وجودمان ثابت شود و محفوظ بماند. به طور مثال، اگر کسی را دوست داریم به او بگوییم یا این دوست داشتن را با رفتن به دیدارش به او ثابت کنیم یا به او هدیه بدهیم تا این دوست داشتن در وجودمان تقویت شود. پس دانستیم که محبت باید به مرحله عمل برسد تا در قلب تثبیت شود و از بین نرود؛ مثل محبت امام حسین (علیه السلام) که یک امر قلبی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در روایتی شگفت دلبستگی اهل ایمان به فرزند خود امام حسین (علیه السلام) را یادآوری نموده و فرموده است: «إن لولدی الحسین (علیه السلام) فی قلوب المؤمنین محبةً مکنونةً» برای فرزندم حسین محبت نهفته‌ای در دل اهل ایمان وجود دارد». محبت مکنونه یعنی محبتی که در خانه دل جای گرفته است. واژه کن در زبان عرب به مفهوم پوشاندن است و اگر به کسر کاف یعنی کن تلفظ شود به مفهوم اختفاء شیء در جایگاهی است که نخواهیم یا نتوانیم آن را بیرون آوریم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از محبت حسین (علیه السلام) در دل اهل ایمان به محبت مکنونه تعبیر فرموده است؛ یعنی ظرف دل مؤمن هیچ‌گاه از حبّ حسینی خالی نیست و هیچ عاملی نمی‌تواند این محبت را از این جایگاه بیرون ببرد! ممکن است برخی به غلط بپندارند که محبت مکنونه یعنی نوعی دوستی که انسان آن را ابراز و اظهار نکند، نه چنین نیست؛ این محبت باید عملی شود تا در ما پایدار و ماندگار بماند و تقویت شود. (منظور پیامبر (صلی الله علیه و آله) این است که این محبت خواه ناخواه در دل انسان مؤمن وجود دارد.) انسان مؤمن در ایام محرم لباس سیاه می‌پوشد یا می‌رود در مراسم عزاداری شرکت می‌کند، چایی می‌ریزد، سینه می‌زند، کفش جفت می‌کند؛ این همان محبت مکنونه است که

۱. رضاداد، جعفری، مقاله تدبّری در آیه مودت.

انسان را به فعل می‌کشد. هرچه این محبت با عمل بیشتری همراه باشد، ثابت‌تر و پایدارتر خواهد بود؛ در غیر این صورت گفتیم که محبت امری قلبی و فرّار است.

وقتی صحبت از رضایت محبوب به میان می‌آید وارد بحث مودّت می‌شویم. در بحث مودّت یک قید به تمام افعالی که از محبت ناشی می‌شود اضافه می‌شود و آن، این است: «آیا عمل من مورد رضایت محبوب است؟» در صورتی که عمل ناشی از من مورد رضایت محبوب باشد، مودّت است. آیا امام حسین (علیه السلام) راضی است که تو به عشق او خود را در پرتگاه بیندازی یا خود را در آغوش نماز بیندازی؟! را

پس مودّت، محبت را کنترل می‌کند تا این محبت تو را به بیراهه نبرد. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ در این آیه شریفه هم نگفته محبت، گفته مودّت؛ پس باید در محبت خود رضایت ذی القربى را هم در نظر بگیریم. ما هیچ وقت دستور به محبت نداریم، ما باید مودّان اهل بیت (علیهم السلام) باشیم. در رابطه با زن و شوهر هم آیه می‌فرماید: «... أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»^۱. مودّت در این آیه هم همین معنا را دارد، یعنی زن نسبت به مرد و مرد نسبت به زن در ابراز محبت خود دنبال فعلی باشند که مورد رضایت طرف مقابل است.

محبت بر اساس نظر محبوب، مودّت است. ما نمی‌دانیم اهل بیت (علیهم السلام) از ما چه می‌خواهند، مشکل ما همین است که در مرحله محبت مانده‌ایم در حالی که با مودّت است که انسان وضعیتش تغییر پیدا می‌کند و به مراتب بالا می‌رسد.

وّد یک رفتار الهی است. سه بار در قرآن کریم خداوند را ودود خوانده است، یعنی خدا مؤمنین اهل عمل را دوست دارد و چیزی که مؤمنان دوست دارند و مورد رضایت آن‌ها است به آن‌ها عطا می‌کند (یعنی همان جنّات تجری من تحت الانهار ...)^۲.

۱. روم: ۲۱.

۲. تلخیصی از سخنرانی حجت الاسلام ابوالقاسمی.

نتیجه

در سیر الی الله، محبت عنوان راه را دارد و مودت در زمره مراتب محبت قرار گرفته و همان محبت خالص است.

رسیدن به قلّه رفیع کمالات معنوی و انسانی بدون دوستی اولیاء الهی ممکن نیست. هر قدر محبت و دلباختگی و ارتباط قلبی با ائمه اطهار (علیهم السلام) بیشتر باشد، تبعیت و همرنگی و همراهی با آنها نیز بیشتر خواهد شد. در حقیقت، مودت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) همان راهی است که بنده برای وصول به مقام توحید برمی‌گزیند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آل کبه، عیسی بن حسین علی، **روضه المحبین**، محقق: هادی قائینی زاده، قم: انتشارات زائر، ۱۳۸۹ ه.ش.
۲. آملی، حیدر بن علی، **البحر الخضم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ ه.ش.
۳. ابن عبدالله، حسین (ابن سینا)، **المبدأ و المعاد**، زیر نظر: مهدی محقق، بی جا: انتشارات مؤسسه مطالعاتی دانشگاه های تهران و مک گیل، ۱۳۶۳ ه.ش.
۴. ابن عربی، محمد بن علی، **فتوحات مکیه**، تهران: مولا، ۱۳۸۱ ه.ش.
۵. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، محقق: هارون عبد السلام، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۶. ابن قیم، جوزیه، **مدارج السالکین**، محقق: عبدالغنی محمد علی فاسی، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ه.ق.
۷. انصاری، عبدالله بن محمد، **منازل السائرین**، ترجمه: علی شیروانی، قم: نشر دار العلم، ۱۳۷۵ ه.ش.
۸. برازش، علی رضا، **عاشق شو**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه.ش.
۹. تهانوی، محمد علی، **کشاف اصطلاحات الفنون**، بیروت: مکتبه اللبنان ناشرون، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۰. جامی، عبدالرحمن بن احمد، **لوامع و لوايح**، مقدمه: ایرج افشار، تهران: نشر منوچهری، ۱۳۶۰ ه.ش.
۱۱. جوهری، اسماعیل ابن حماد، **صاح اللغة**، بیروت: نشر دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.

۱۲. حسن زاده آملی، حسن، **سدرۃ المنتهی**، قم: انتشارات الف لام میم، ۱۳۸۸ هـ ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، محقق: صفوان عدنان داودی، دمشق: انتشارات الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ ق.
۱۴. _____، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن کریم**، مترجم و محقق: غلامرضا خسروی، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ هـ ش.
۱۵. رافعی، علی، **محبت در قرآن و حدیث**، قم: انتشارات ادیان، ۱۳۹۰ هـ ش.
۱۶. رضاداد، عبدالله؛ جعفری، محمد رضا، «**تدبری در آیه مودت**»، نشریه گلستان قرآن، شماره ۹۰ و ۹۱.
۱۷. سخنرانی حجت الاسلام ابوالقاسمی.
۱۸. شجاعی، محمد، **رساله محبت**، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۷ هـ ش.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: انتشارات مؤسسه الأعمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۲۲ هـ ق.
۲۰. غزالی، محمد، **احیاء علوم الدین**، محقق: حافظ عراقی و عبدالرحیم بن حسین، بیروت: نشر دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ هـ ق.
۲۱. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، **الرساله القشیریّه**، تهران: نشر سخن، ۱۳۹۲ هـ ش.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، مصحح: جمعی از محققان، بی جا: انتشارات دار الحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ ق.
۲۳. مدنی، علی خان ابن احمد، **الطراز الأول**، مشهد: مؤسسه آل البیت، ۱۳۸۴ هـ ش.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، **اخلاق در قرآن**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۹۱ هـ ش.
۲۵. مکی، ابوطالب، **قوت القلوب**، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ هـ ق.
۲۶. هجویری، علی بن عثمان، **کشف المحجوب**، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۴ هـ ش.